

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

چهارم اکتوبر ۲۰۰۸ شهر اسن آلمان

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم

این سروده را خدمت آن عده نیمچه ملاحی کامل نما ، و تعدادی از جهلای عالم و فاضل نمای عقب گرا ، که همیشه به خاطر کسب شهرت ، منفعت شخصی و باز نگهداشتن دکانهای خود ، واقعیت ها را با ابرهای تیره و تاری ضلالت و جهالت ، و احجاب و استار تعصب و کینه توزی و خودخواهی مستور ، و به هر دوغی مگس گشته ، از خود روایات بی شرمانه مخالف شریعت ، شرافت ، اخلاق انسانی و نیز مخالف علم و روشنگری و خرد گرایی که بافته و ساخته و پرداخته باداران متعصب نظر تنگ خود فروخته های شان میباشد ، به مردم بیچاره صادق ، پاک طینت و مظلوم ، ماهرانه حکایت و روایت نموده به نام اساسات و جوهر دین تحمیل می نمایند ، و تعدادی دیگری از این قماش ، بر علاوه ، اشعار شعرای نامدار را با جفنگیات خود ارتباط داده از **فیل** ، **قیل** و از **محرم** ، **مجرم** می سازند چنانچه چندی قبل در برنامه های تلویزیونی که به سطح جهانی پخش میگردد ، یکی از این مَلاگک ها در معنی این بیت (لسان الغیب حافظ شیرازی علیه رحمه ) که ( **پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت +++ ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم** ) چرندیات و پرندیات جاهلانه ارائه و همچنان یکی دیگری ازین نیمچه ملاحی کامل نما و **کوک** شده ، به خاطر خرید و اعمار مسجد جدید ، (فند ریزنگ ) ، کمک های نقدی ، خیرات ، صدقات ، فدیات ، زکات ، فطر روز ، امانت داری و درباره نتیجه آنها در روز آخرت ، و خصوصاً راجع به نصب کردن بیرق ها در مقعد یک تعداد انسانهای گنهکار ، ذرّ افشانی هائی کرده اند ، تقدیم میدارم امید که این گروه از مقابل چشم های وجدان خود هر مانعی را شرافتمدانه حرق و خرق نموده به جای بهتان و دروغ های شاخدار و واهمات دمدار که سبب و علت گمراهی اذهان عامه میگردد به واقعیت گویی بپردازند.

## پلخمان سیاست

ای **مُلاگک** ! تا بکی ، غمُبرُ چو کفتر میکنی  
کاسبی از دین و ، از نام پیمیر میکنی  
در پلخمان سیاست ، سنچل دینی ، چرا ؟  
غولک تزویر خود را سوی مادر میکنی  
از برای شهرت و ، نام و ، مقام و منزلت  
هر **حدیث و آیه** را ، باهم برابر میکنی  
یا که با جنگ حدیث و آیه ، بهر نفع خود  
دشمنی با خواهر و ، هم با برادر میکنی

خود فروشی تا بکی در کار فرهنگ و ادب  
شعر حافظ ، معنی و تفسیر دیگر می‌کنی  
آنکه رضوان را عوض با **گندمی** کرد و فروخت  
از **جَو** فرزند او ، هر ماده را ، نر می‌کنی  
رو ، ز حافظ بیت اول را بخوان و فکر کن  
ورنه از تقدم به خود هر خیر را ، شر می‌کنی  
بر سستیژ خود نمایی ، وعظ های با نمک  
**(چون به خلوت می روی ، آن کار دیگر می‌کنی)**  
خون مظلوم و یتیم و بیوه زن را روز و شب  
شُپ به مانند ، شراب ناب احمر می‌کنی  
من اگر جامی بنوشم ، شیر انگور است و بس  
لیک تو از خون ملت ، جام و ساغر می‌کنی  
مستی ما ، از رگ تاک است و ، نه از خون خلق  
با پلنگ و گرگ ، آهورا ، برابر می‌کنی  
**چون کفن کشها ، لباس مخملینی بر تنت**  
**جامه تدبیر را ، پالان هر خر می‌کنی**  
دوستانت هر طرف بنشسته با ، کشکول غار  
با هزاران مکر و حيله ، جمع دالر می‌کنی  
(فند ریزنگ) های فطر روزه و زکات را  
بهر تعمیر مساجد ، جمع یکسر می‌کنی  
ابتدا کمک به مسکین و غریبان وطن  
موتر حق گوی را ، با خدعه پنچر می‌کنی  
بیوه زنها و یتیمان ، احتیاج لقمه نان  
حرف از ایشان هر که گوید ، گوش را کر می‌کنی  
حال می آید زمستان ، بر غریبان ، خانه کو  
نان خشک و قاق را ، در اشک شان تر می‌کنی  
نه زغال و چوب و نه ، نان و لباس و سرپناه  
**فقر و بدبختی ایشان ، صد برابر می‌کنی**  
پُر شدی از مُد انگلیس و عرب ، دکان دین  
جامه تدلیس رنگارنگ ، در یر می‌کنی  
این **تعرض های جنسی** ، ارمغانی از شماست  
**در حصول قرض خود** ، برپا محشر می‌کنی  
**میدهی فتوا** ، به تکفیر همه روشنگران  
**خود جنایت بدتر از** ، هر کفر و کافر می‌کنی  
**میدهی فتوا** که هر کس ، پول مسجد را خورد  
**روز محشر** ، پرچمی در **مقدش** در می‌کنی  
با چنین حرفی که دور از منطق و علم و خرد  
**آن خدای مهربان را** ، مار و اژدر می‌کنی  
« نعمتا » این فتنه و آشوب ، باریش ملا  
ارتباطی دارد و ، دانم که باور می‌کنی